





دانشگاه شهید بهشتی تهران
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

« پایان نامه »

جهت دریافت کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان

موضوع :

ارتباط فلسفه تربیتی مربیان بزرگسالان با سبک های تدریس آنان از نظر
مربیان بزرگسالان دبیرستان های بزرگسالان شهر کرمانشاه

استاد راهنما :

دکتر محسن طالب زاده نوبریان

استاد مشاور :

دکتر محمود ابوالقاسمی

اساتید داور :

دکتر جمیله علم الهدی

دکتر محبوبه عارفی

پژوهشگر :

۱۳۸۹/۷/۲۴

ولی رضایی دولت آبادی

اسفند ۱۳۸۸

کتابخانه اساتید ارشد تربیتی
مبند دران

۱۴۲۱۷۴

تقدیر و تشکر

از زحمات و راهنمایی های بی دریغ جناب آقای دکتر محسن طالب زاده ، استاد راهنما و همچنین از رهنمودها و پیشنهادات ارزنده ی جناب آقای دکتر ابوالقاسمی ، استاد مشاور کمال تشکر و قدر دانی را می نمایم.

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط فلسفه تربیتی مربیان بزرگسالان با سبک های تدریس آنان از نظر مربیان بزرگسالان دبیرستان های بزرگسالان شهر کرمانشاه می باشد. در این تحقیق از روش توصیفی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه ی مربیان بزرگسالان دبیرستان های بزرگسالان شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ بودند، که تعداد ۱۸۶ نفر از مربیان به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه گیری نسبتی انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری در این پژوهش دو پرسشنامه است که از کتاب روشهای یادگیری بزرگسالان تألیف گال بریث استخراج گردیده است. برای سنجش روایی از دو روش صوری و محتوایی استفاده شده است. پایایی سوالات نیز از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد، که میزان پایایی کل سوالات $\alpha = 0/769$ به دست آمد.

فرضیه های تحقیق عبارتند از :

- ۱- در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه ی تربیتی پیشرفت گرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد.
- ۲- در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه ی تربیتی رادیکال به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد.
- ۳- در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه ی تربیتی انسان گرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد.
- ۴- در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه ی تربیتی رفتارگرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد.
- ۵- در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه ی تربیتی لیبرال به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد.

در راستای تحقیق ، اهداف تحقیق و تأیید یارد فرضیه ها، همچنین یافتن پاسخ های سوالات مورد نظر اطلاعات حاصل از پرسشنامه ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه های آماری نظیر توزیع فراوانی ، میانگین، انحراف معیار، جداول و نمودار ها داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در سطح استنباطی از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و t گروه های مستقل استفاده شد و نتایج نشان داد که :

- تفاوت معناداری بین میانگین دو روش تدریس در میزان استفاده از فلسفه تربیتی پیشرفت گرا وجود ندارد بنابراین در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی پیشرفت گرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود ندارد .
- تفاوت معناداری بین میانگین دو روش تدریس در میزان استفاده از فلسفه تربیتی رادیکال وجود ندارد بنابراین در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی رادیکال به سبک های تدریس تفاوتی وجود ندارد .
- تفاوت معناداری بین میانگین دو روش تدریس در میزان استفاده از فلسفه تربیتی انسان گرا وجود ندارد بنابراین در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی انسان گرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود ندارد .
- تفاوت معناداری بین میانگین دو روش تدریس در میزان استفاده از فلسفه تربیتی رفتارگرا وجود ندارد بنابراین در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی رفتارگرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود ندارد .
- تفاوت معناداری بین میانگین دو روش تدریس در میزان استفاده از فلسفه تربیتی لیبرال وجود ندارد بنابراین در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی لیبرال به سبک های تدریس تفاوتی وجود ندارد .

واژه های کلیدی : فلسفه تربیتی ، سبک تدریس

فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱: مقدمه ۱
- ۲-۱: بیان مسأله ۱
- ۳-۱: اهمیت موضوع تحقیق ۳
- ۴-۱: اهداف پژوهشی ۴
- ۵-۱: فرضیات پژوهشی ۴
- ۶-۱: تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش ۴
- ۷-۱: محدودیت های تحقیق ۷

فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق

بخش اول

- ۱-۲: مقدمه ۹
- ۲-۲: مفهوم بزرگسالی ۹
- ۳-۲: تعریف آموزش بزرگسالان ۱۰
- ۱-۳-۲: تقسیم بندی فراگیران بزرگسال ۱۱
- ۲-۳-۲: نظر لیندمن در مورد آموزش بزرگسالان ۱۲
- ۳-۳-۲: مفروضات کلیدی لیندمن درباره فراگیران بزرگسال ۱۳
- ۴-۲: تعریف فلسفه ۱۴
- ۱-۴-۲: فلسفه چیست ؟ ۱۴
- ۲-۴-۲: فلسفه از نظر صاحب نظران ۱۴

- ۳-۴-۲: نیازما به فلسفه ۱۴
- ۴-۴-۲: مأموریت فلسفه ۱۵
- ۵-۴-۲: بخش های فلسفه ۱۵
- ۵-۲: فلسفهٔ تعلیم و تربیت ۱۶
- ۶-۲: فلسفه آموزش بزرگسالان ۱۸
- ۷-۲: انواع فلسفه های آموزش بزرگسالان ۲۰
- ۱-۷-۲: فلسفه تربیتی انسان گرا ۲۰
- ۲-۷-۲: فلسفه تربیتی رفتارگرا ۲۴
- ۳-۷-۲: فلسفه تربیتی لیبرال ۲۶
- ۴-۷-۲: فلسفه تربیتی پیشرفت گرا ۲۸
- ۵-۷-۲: فلسفه تربیتی رادیکال ۳۱
- ۸-۲: تدوین یک فلسفه کاری ۳۴
- ۱-۸-۲: مزایای روشن ساختن فلسفه شخصی تعلیم و تربیت توسط مربی بزرگسالان ۳۴
- ۲-۸-۲: نظر آپس در مورد مزایای تحلیل فلسفی در آموزش بزرگسالان ۳۶
- ۳-۸-۲: کاربردهای برنامه ای پیشنهادی وایت و بروکت در مورد جهت گیریهای فلسفی آموزش بزرگسالان ۳۷
- ۹-۲: سبک تدریس ۳۸
- ۱-۹-۲: رویکرد فراگیر- محور راجرز به تعلیم و تربیت ۴۰
- ۲-۹-۲: شکل دادن به سبک تدریس ۴۱
- ۳-۹-۲: حیطه های دانش مؤثر در شکل گیری سبک تدریس ۴۱
- ۱۰-۲: رویکرد آندراگوژیک ۴۳
- ۲ - ۱۰ - ۱: رویکردهای تکوین و شکل دادن به فلسفه شخصی برای تدریس ۴۴

- ۲-۱۰-۲: چرایی مهم بودن، داشتن فلسفه برای تدریس ۴۵
- ۲-۱۱: رابطه بین فلسفه و سبکهای تدریس در آموزش بزرگسالان ۴۵

بخش دوم

- ۲-۱۲: تحقیقات و پژوهشهای انجام شده در رابطه با موضوع تحقیق ۴۷
- ۲-۱۳: جمع بندی و نتیجه گیری مبانی نظری و پیشینه تحقیق ۵۱

فصل سوم: روش تحقیق

- ۳-۱: مقدمه ۵۳
- ۳-۲: روش تحقیق ۵۳
- ۳-۳: جامعه آماری ۵۳
- ۳-۴: روش نمونه گیری و نمونه آماری ۵۳
- ۳-۴-۱: روش نمونه گیری ۵۳
- ۳-۴-۲: نمونه آماری ۵۳
- ۳-۵: ابزارهای اندازه گیری ۵۴
- ۳-۶: مقوله بندی سؤالات پرسشنامه ها ۵۴
- ۳-۷: بررسی ابزار اندازه گیری و تحلیل سؤالات آن ۵۵
- ۳-۸: روش اجرا و جمع آوری اطلاعات ۵۵
- ۳-۹: روش تحلیل داده ها ۵۵

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۱-۴: مقدمه ۵۷

بخش اول

۲-۴: اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی ها ۵۷

بخش دوم

۳-۴: تحلیل فرضیات ۵۹

فصل پنجم: نتیجه گیری، بحث و پیشنهادات

۱-۵: مقدمه ۶۹

۲-۵: نتایج پژوهشی ۶۹

۱-۲-۵: نتایج حاصل از توصیف داده ها ۶۹

۲-۲-۵: نتایج حاصل از بررسی فرضیات ۷۱

۳-۵: پیشنهادات ۷۵

۱-۳-۵: پیشنهادات پژوهشی ۷۵

۲-۳-۵: پیشنهادات عملی جهت کاربست یافته ها ۷۵

منابع

فهرست جداول

- جدول ۳-۱: مقوله بندی سؤالات پرسشنامه سبک تدریس..... ۵۴
- جدول ۴-۱: توزیع فراوانی و درصد افراد نمونه به تفکیک جنسیت..... ۵۷
- جدول ۴-۲: توزیع فراوانی و درصد آزمودنیها به تفکیک مقطع تحصیلی..... ۵۸
- جدول ۴-۳: شاخصه های توصیفی سن مربیان..... ۵۹
- جدول ۴-۴: شاخصه های توصیفی سابقه خدمت مربیان..... ۵۹
- جدول ۴-۵: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه اصلی ۶۰
- جدول ۴-۶: نتایج آزمون t گروههای مستقل در مورد فرضیه اول..... ۶۱
- جدول ۴-۷: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه دوم ۶۲
- جدول ۴-۸: نتایج آزمون t گروههای مستقل در مورد فرضیه دوم ۶۳
- جدول ۴-۹: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه سوم ۶۴
- جدول ۴-۱۰: نتایج آزمون t گروههای مستقل در مورد فرضیه سوم ۶۵
- جدول ۴-۱۱: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه چهارم ۶۶
- جدول ۴-۱۲: نتایج آزمون t گروههای مستقل در مورد فرضیه چهارم ۶۷
- جدول ۴-۱۳: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه پنجم ۶۸
- جدول ۴-۱۴: نتایج آزمون t گروههای مستقل در مورد فرضیه پنجم ۶۹

فهرست نمودارها

نمودار ۱-۴: درصد آزمودنیها به تفکیک جنسیت ۵۷

نمودار ۲-۴: درصد آزمودنیها به تفکیک مقطع تحصیلی ۵۸

فصل اول

کلیات تحقیق

از آنجایی که فلسفه تربیتی مربیان بزرگسالان با انتخاب سبک های تدریس آنان می تواند رابطه مستقیم داشته باشد و در این مورد تاکنون تحقیقی در ایران انجام نشده است بررسی این رابطه برای نظام آموزشی بزرگسالان از ارزش و اهمیت بسزایی برخوردار است. دانستن فلسفه تربیتی و ایده مشخص داشتن در مورد سبک تدریس موجب می شود که بین فلسفه تربیتی و سبک تدریس معلمان رابطه ایجاد شود و همچنین معلمان متوجه می شوند که رابطه بین فلسفه تربیتی و سبک تدریس مهم می باشد و باید در این مورد اندیشه ورزی کنند. در صورتی که معلمان دارای فلسفه ی تربیتی مشخص و روشنی نباشند مسلماً سبک تدریس مشخص و روشنی نیز نخواهند داشت و نمی توانند عملکرد تربیتی مطلوبی را داشته باشند و نمی توان عملکرد تربیتی مطلوبی را از آنان انتظار داشت. برای معلمان ارزشمند است که فلسفه تربیتی داشته باشند و برنامه های درسی و سبک تدریس را در ارتباط با دیدگاه فلسفی خودشان شناسایی کنند. فلسفه تربیتی اعمال مربیان را کنترل می کند در نتیجه فلسفه تربیتی مربیان به عنوان تشخیص ساختار در مسیر عقاید، ارزشها و نگرش های آنها که با تبادل آموزشی در ارتباط هستند به کار می رود.

سبک تدریس و فلسفه تربیتی مربیان زیر بنای آن چیزی است که مربیان در موقعیت تدریس انجام می دهند و چرایی انجام این کار می باشد. قبل از اینکه مربیان بتوانند به انتخاب روش یا فنی برای موقعیت خاص شروع به کار کنند مربیان بایستی بر روی فلسفه تربیتی و سبک تدریسی که موجب آن روش یا فن می باشد تأمل ورزند. فقط از این طریق است که مربیان می دانند که به چه میزان کنترل عناصر هر روش یا فن برای آنها بهتر عمل می کند.

مربی نبایستی به طور تصادفی سبک تدریس خود را انتخاب نماید و سبک تدریس خود را نباید به طور مداوم تغییر دهد. در عوض سبک تدریس مرتبط با فلسفه تربیتی است که به نوبه خود زیر مجموعه ای از فلسفه کلی زندگی می باشد. بنابراین باورهای اخلاقی، معنوی و سیاسی سرخ هایی را برای عناصر احتمالی از فلسفه تربیتی فراهم می آورد. به جای اینکه یک سبک تدریس از ادبیات تخصصی انتخاب شود و از آن پیروی نمود باید به دنبال انسجام در درون سبک تدریس طبیعی بوده که از فلسفه زندگی ناشی می شود.

۱-۲- بیان مسأله تحقیق

سرو کار داشتن با فلسفه و مربوط ساختن آن با تدریس به معنای پرداختن به ایده ها یا مفاهیم مورد استفاده در تدریس و تمرکز بر مفروضات بنیادی تحقیق مربوط به تدریس است. این ارتباط همچنین به دلیل بر انگیزتن تفکر در باب مقاصدی که تدریس به خاطر آن شروع می شود و نیز حمایت از ارزشها

و غایاتی که تدریس در پی آن است ، مورد توجه قرار می گیرد انجام وظیفه فلسفی در قبال تدریس و به کارگیری فلسفه در ارتباط با تدریس به معنی سوالاتی است که زمینه تفکر را درباره آنچه که ما انجام می دهیم قوت می بخشد. (سجادی ، ۱۳۸۲)

معلم علاوه بر مسائل خاص زندگی مانند سایر شاغلان ، بامسائل شغلی مواجه است که آنها را مسایل آموزش و پرورش می نامیم و برای حل کردن آنها نیز مرتباً به تصمیم گیری نیاز داریم که همین تصمیم گیری نشانه فلسفه ی تربیتی هر معلم می باشد تعداد و نوع مسائل تربیتی معلم را نمی توان دقیقاً تعیین و مشخص کرد ، زیرا وقتی هر مسأله انسانی را قابل طرح کردن در حوزه آموزش و پرورش بدانیم بدیهی است که همه مسائل تربیتی یا مسایل انسانی به نحوی به معلمان جامعه مربوط می شود و ایشان ناگزیرند به آنها بپردازند و مردم را در حل کردن آنها هدایت کنند با وجود این می توان مسائل تربیتی عمده ی معلمان را در چند حوزه خلاصه کرد شامل تعیین انتخاب هدف، تعیین و انتخاب محتوا ، انتخاب روش ، ارزشیابی ، انضباط یا اداره کلاس در این موارد طبعاً از فلسفه ی تربیتی اومتأثر خواهد شد. (شعاری نژاد ، ۱۳۸۱ ، ص ۱۴۰)

آنچه که یک معلم در فرآیند تربیت یا فرآیند یاددهی - یادگیری به عنوان فعالیت های کلاسی انجام می دهد به طور مستقیم با مسائل نظری فلسفی برخاسته از حیطه های سه گانه ی معرف شناسی ، هستی شناسی و ارزش شناسی نیستند ، بلکه علاوه بر آنها شامل مسائل دیگری نیز می شود که خاستگاه های مختلفی دارند ، اما باید در نظر داشت که بدون توسل به مسائل کلی فلسفی نمی توانیم تبیین درستی از سیاست ها و خط مشیهای تربیتی داشته باشیم یا سیاست ها و هدف های موجود را مورد ارزشیابی و نقد قرار دهیم و در نهایت برای فرآیند تربیت هدف و روش انتخاب کنیم . (ابراهیم زاده ، ۱۳۸۳ ، ص ۶۲)

معلم می تواند تحت تأثیر بعضی افکار و عقاید فلسفی باشد و به احتمال زیاد در فعالیت های علمی خویش از آن افکار و عقاید متأثر خواهد شد و بر اساس معیار های شخصی عمل تدریس را انجام می دهد و این معیار های شخصی، هدف ، محتوا، روش ، ارزشیابی و نحوه ی انضباط را تحت تأثیر قرار می دهد و این معیار های شخصی بر اساس فلسفه تربیتی معلم شکل گرفته است. مسأله این تحقیق این است که رابطه فلسفه های تربیتی که معلمان طبق آنها عمل می کنند و شاید خود حتی به آن آگاه نباشند با سبک تدریس چیست؟

بدین معنی که هر معلم بر اساس فلسفه تربیتی خاص که به آن معتقد است سبک مرجحی را که در تدریس خود از آن استفاده می نماید کدام سبک می باشد ؟
مثلاً معلمی که به فلسفه تربیتی پیشرفت گرا معتقد است در جریان تدریس خود از کدام یک از سبکهای تدریس معلم محور یا فراگیر محور یا التقاطی استفاده می نماید .

هر اجتماع فلسفه تربیتی خاص خواهد داشت که روش ها و برنامه های درسی را در مدراس آن تعیین خواهد کرد این روش ها و برنامه ها در صورتی سودبخش و موفقیت آمیز خواهد بود که فلسفه تربیتی کشور با وضع اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی، علمی، دینی و فرهنگی آن متناسب باشد و مسئولان آموزش و پرورش مخصوصاً معلمان و برنامه ریزان درسی آن فلسفه را کاملاً دریابند و به آن معتقد باشند. به عبارتی دیگر تا معلم، مدیر، برنامه ریز و حتی مؤلف کتاب های درسی، فلسفه آموزش و پرورش جامعه خود را درست درک نکنند و یا بدان معتقد نباشد، بدون تردید مدارس ما از بار آوردن افرادی که از زندگی سالم بهره مند باشند و برای خود و جامعه شان مفید واقع شوند عاجز خواهند بود به همین سبب بررسی فلسفه آموزش و پرورش در جامعه برای مسئولین آموزش و پرورش و مراکز تربیت معلم ضروری است. (شعاری نژاد، ۱۳۸۱، ص ۶۰۰)

فلسفه تربیتی معلم است که آموزش و پرورش جامعه را جهت می دهد یا هر گونه فلسفه آموزش و پرورش به وسیله ی معلمان کشور در مقاطع گوناگون آموزشی تجلی پیدا می کند زیرا موفقیت یا اثر بخشی آموزش و پرورش در یک جامعه عمدتاً به معلمان و چگونگی عملکرد های تربیتی آنان بستگی دارد. در صورتی که معلمان دارای فلسفه تربیتی مشخص و روشن نباشند مسلماً سبک تدریس مشخص و روشنی نیز نخواهند داشت و نمی توان عملکرد تربیتی مطلوبی را از آنان انتظار داشت بنابراین فلسفه تربیتی معلم سبک تدریس او را مشخص می کند به این صورت که سبک تدریس معلم نشأت گرفته از دید معلم نسبت به فرآیند شناخت انسان و جهان می باشد اینجاست که این تحقیق ضروری به نظر می رسد زیرا این موضوع را روشن می نماید که هر معلم دارای فلسفه تربیتی خاصی می باشد که شاید خود معلم نیز ممکن است از آن آگاه نباشد و معلم نمی داند سبک تدریس خود را از چه مبنا و فلسفه ی شخصی انتخاب نموده است که در صورت آگاه بودن می تواند خط مشی صحیحی را در پیش بگیرد و می تواند فعالیت های خود را در تدریس با منطق بیشتری نظم بدهد و با این عمل مدیران و برنامه ریزان می توانند با استفاده از یافته های این تحقیق ترتیبی اتخاذ کنند تا معلمان بتوانند نسبت به فلسفه تربیتی خود و همچنین سبک تدریس خودشان که مسلماً از فلسفه آنها نشأت می گیرد توجه نشان دهند و آگاهی یابند. اجرای این تحقیق به این دلیل اهمیت و ضرورت دارد که موجب می شود تا معلمان نسبت به فلسفه هایی که دارند و همچنین نسبت به رابطه فلسفه تربیتی و سبک تدریس آگاه شوند.

۱-۴- اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی رابطه فلسفه تربیتی مربیان بزرگسالان با سبک های تدریس آنان در دبیرستان های بزرگسالان شهر کرمانشاه است.
بنابراین در این پژوهش اهداف فرعی ذیل دنبال خواهد شد :

- ۱) شناسایی سبک تدریس مرجح مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی پیشرفت گرا
- ۲) شناسایی سبک تدریس مرجح مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی رادیکال
- ۳) شناسایی سبک تدریس مرجح مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی انسان گرا
- ۴) شناسایی سبک تدریس مرجح مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی رفتار گرا
- ۵) شناسایی سبک تدریس مرجح مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی لیبرال

۱-۵- فرضیات پژوهشی

- ۱) در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی پیشرفت گرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد .
- ۲) در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی رادیکال به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد.
- ۳) در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی انسان گرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد.
- ۴) در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی رفتار گرا به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد .
- ۵) در گرایش مربیان بزرگسالان دارای فلسفه تربیتی لیبرال به سبک های تدریس تفاوتی وجود دارد .

۱-۶- تعاریف نظری و عملیاتی متغیر های پژوهش

تعاریف نظری :

پیشرفت گرایی : پیشرفت گرایی مستقیماً از عملگرایی و واقع گرایی متأثر شده است و بیشتر به نیاز های روز محصلان توجه دارد و رعایت آنها را ضروری می داند و معتقد است که تربیت باید بر همکاری

و یادگیری اجتماعی مبتنی باشد نه بر رقابت و آموزش و پرورش باید فعال و مبتنی بر فعالیت های ناشی از زندگی کودک باشد و بخشی از یادگیری اجتماعی باید روی روش حل مسأله یا پروژه تاکید کند و معلومات باید وسیله تلقی شوند نه هدف. (شعاری نژاد، ۱۳۸۶)

رفتار گرایی: دیدگاه روان شناختی - فلسفی است که محیط را محور می داند و انسان را تحت تأثیر کامل محیط می پندارد بنابراین معتقد است که برای تغییر دادن فرد باید ابتدا جامعه یا محیط را تغییر داد و هدف رفتار گرایی در آموزش و پرورش تغییر و تعدیل رفتار و آماده کردن اشخاص طبق توانایی آنها برای مسئولیت های چند گانه زندگی شخصی و اجتماعی است. (شعاری نژاد، ۱۳۸۶)

انسان گرایی: انسان گرایی به هر گونه نظام (سیستم) فکری یا عملی گفته می شود که بر طبیعت، شأن، علایق و آرمان های انسان مبتنی است. مخصوصاً جنبش های نوین، عقل گرا و خدانپرست معتقدند آدمی خود این توانایی را دارد که خود را به کمال مطلوب برساند و از سلوک اخلاقی مطلوب برخوردار باشد بدون اینکه به منبع فراسوی طبیعت گرایی نیاز داشته باشد این دیدگاه فلسفی را می توان در عبارت انسان معیار همه چیز است خلاصه کرد. (شعاری نژاد، ۱۳۸۶)

لیبرالیسم: این مکتب بر رشد نیرو های عقلانی ذهن و بر تسلط بر محتوا تاکید می ورزد. در این مکتب مربی به عنوان یک کارشناس یا مرجع علمی در نظر گرفته می شود مبنای فلسفی این مکتب شامل فرد گرایی به معنای تقدم فرد بر جامعه و نیز جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) می باشد. از نظر لیبرال های معروف چون هو راس مان و هنری بارنارد لیبرالیسم تربیتی به آموزش و پرورش همگانی به مثابه لازمه ی نهاد های جمهوری می نگرد علاوه بر آموزش و پرورش همگانی، لیبرالیسم بر نوع خاصی از آموزش و پرورش مدنی تاکید می نهد که مختص رشد شناختی و عاطفی شهروندان آینده است. در بعد شناختی آموزش و پرورش مدنی درصدد پرورش معرفتی درباره ی نهاد ها و ساختار های مرتبط با حکومت است. آموزش و پرورش مدنی از نظر لیبرال ها درصدد پرورش ارزشهایی است که موجب تحکیم تعهد شهروندان به مشارکت در فرآیند سیاسی گردد. (گوتک، مترجم پاک سرشت، ۱۳۸۰، ص ۲۶۵)

رادیکالیسم: رادیکال (تندرو) و رادیکالیسم (تندروی) که از واژه یونانی رادیکس Radix گرفته شده صفتی است برای همه نظر ها و روش هایی که خواهان دگرگونی بنیادی و فوری در نهاد های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود هستند و به عنوان یک فلسفه تربیتی بر نقش تعلیم و تربیت به عنوان ابزاری برای ایجاد دگرگونی های اجتماعی عمده تأکید می ورزد در این فلسفه تربیتی تعلیم و تربیت ابزاری است برای مقابله با سرکوبی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه. (گال بریث، ۲۰۰۴)

فلسفه تربیتی: فلسفه تربیت در جستجوی ایجاد نظریه هایی درباره ماهیت انسان و جامعه و جهان

می باشد تا بتوان توسط آنها داده های گاه متعارض پژوهش های علوم رفتاری را نظم بدهد و هدف هایی را که دارند معلوم نماید.

فلسفه تربیت صرفاً مجموعه ای از حقایق و اندیشه های فلسفی که تربیت باید تعقیب کند و وسایل کلی را که در نیل به آنها می تواند در عمل تربیت کاربرد دارند نیست بلکه همانگونه که برای ناظر اندیشمند در پس هر یک از مظاهر مادی حیات به طور کلی و زندگی انسان به طور خاص کیفیات و حالت پیچیده ویژه ای برای اندیشیدن به آنها وجود دارد برای معلمان و مربیان و سایر متخصصان تربیتی نیز آنسوی ظواهر کار تربیت مسائلی وجود دارند که آنها را به تجزیه و تحلیل و بررسی عمیق و دقیق فرا می خوانند تا به تدوین یک نظریه عمومی و کلی و نظامدار بپردازند. (ابراهیم زاده ، ۱۳۷۱)

سبک تدریس: سبک تدریس اشاره دارد به کیفیات متمایزی که توسط یک معلم نشان داده می شوند و از موقعیتی به موقعیت دیگر بدون در نظر گرفتن محتوا ثابت می باشند و از آنجایی که سبک تدریس از راهبرد های تدریس که برای تحقق اهداف آموزشی به کار گرفته می شوند وسیعتر می باشد این سبک را نمی توان از طریق در نظر گرفتن یک عمل منفرد معلم تعیین کرد برای تشخیص سبک تدریس کل جوی را که توسط دیدگاه های معلم در مورد یادگیری و رویکرد معلم به تدریس ایجاد شده است را بایستی مورد بررسی قرار داد. بنابراین سبک تدریس جامع و فراگیر می باشد سبک تدریس مستقیماً با فلسفه تربیتی معلم ارتباط دارد. (گال بریت ، ۲۰۰۴)

تعاریف عملیاتی :

فلسفه تربیتی پیشرفت گرا: در این تحقیق فلسفه تربیتی پیشرفت گرا بر اساس کمک به فراگیران در شناسایی و حل مسائل ، تمرکز بر حل مسأله و چالشهای واقعی ، تشخیص مسائل روزمره و حل آن از طریق آموزش و در نظر گرفتن نیازها و علائق و مسائل فراگیران که بر گرفته از پرسشنامه ی موجود در کتاب روش های یادگیری بزرگسالان تألیف گال بریت می باشد مورد سنجش قرار می گیرد .

فلسفه تربیتی رفتارگرا: در این تحقیق فلسفه تربیتی رفتارگرا بر اساس ساختمان نمودن فعالیت یادگیری ، رشد شایستگی و تسلط بر دانش و مهارت های خاص در فراگیر ، یادگیری از طریق فرآیند آزمایش و باز خورد و در نظر گرفتن نتایج خاص یادگیری که بر گرفته از پرسشنامه ی موجود در کتاب روشهای یادگیری بزرگسالان تألیف گال بریت می باشد مورد سنجش قرار می گیرد.

فلسفه تربیتی انسان گرا: در این تحقیق فلسفه تربیتی انسان گرا بر اساس تسهیل رشد شخصی در فراگیر ، اتخاذ فعالیت یادگیری توسط فراگیران در مشورت با تسهیل کننده ، بر عهده گرفتن مسئولیت یادگیری توسط خود فرا گیران و ارزشیابی نتایج یادگیری توسط فرا گیران که بر گرفته از پرسشنامه

ی موجود در کتاب روشهای یادگیری بزرگسالان تألیف گال بریث می باشد مورد سنجش قرار می گیرد.

فلسفه تربیتی لیبرال : در این تحقیق فلسفه تربیتی لیبرال بر اساس رشد درک مفهومی و نظری ، یادگیری از طریق اکتشاف ، تحلیل دقیق معلم بر مواد و مفاهیم تدریس شده و توضیح کلی و روشن از محتوا و مفاهیم تدریس شده که بر گرفته از پرسشنامه ی موجود در کتاب روشهای یادگیری بزرگسالان تألیف گال بریث می باشد مورد سنجش قرار می گیرد.

فلسفه تربیتی رادیکال : در این تحقیق فلسفه تربیتی رادیکال بر اساس برنامه ریزی فعالیتهای یادگیری بر مبنای مباحث مهم اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، یادگیری از طریق بحث با دیگران، افزایش دادن آگاهی فراگیران از نیاز برای تغییر اجتماعی و یادگیری از طریق تفکر انتقادی و تأملی بر مباحث اجتماعی و فرهنگی و سیاسی که بر گرفته از پرسشنامه ی موجود در کتاب روشهای یادگیری بزرگسالان تألیف گال بریث می باشد مورد سنجش قرار می گیرد.

فلسفه تربیتی معلم : در این تحقیق فلسفه تربیتی معلم بر اساس پاسخ شرکت کنندگان در نظر سنجی به سوالات پرسشنامه ی فلسفه تربیتی که از کتاب روشهای یادگیری بزرگسالان تألیف گال بریث استخراج شده است سنجیده می شود و در آن میزان گرایش معلم به فلسفه های رفتار گرا ، لیبرال، انسان گرا، پیشرفت گرا و رادیکال مشخص می شود .

سبک تدریس : در این تحقیق به معنای گرایش معلم به شاگرد محوری یا معلم محوری می باشد که از طریق پرسشنامه ی سبک تدریس که از کتاب روشهای یادگیری بزرگسالان تألیف گال بریث استخراج شده است مورد سنجش قرار می گیرد .

۱-۷- محدودیت های تحقیق

پژوهش حاضر همچون دیگر تحقیقات آموزشی با مشکلات و محدودیت هایی همراه بوده است که این محدودیت ها را می توان به شرح زیر بر شمرد :

- ۱) دسترسی محدود به پژوهش های داخلی در زمینه ی موضوع مورد نظر که محقق در این راستا به صورت استنباطی آنچه که به موضوع حاضر ارتباط می یافته را جمع آوری کرده است همچنین در رابطه با پژوهش های خارجی پژوهشی کاملاً مشابه یافت نشد .
- ۲) عدم تمایل برخی از افراد نمونه جهت پاسخگویی به پرسشنامه ها که برای غلبه بر این مشکل ، محقق به متقاعد کردن آنها پرداخته است

۳) میزان دقت و صداقت پاسخگویی به سوالات پرسشنامه ها در مدارس مورد پژوهش احتمالاً یکسان نیست که قابل کنترل هم نمی باشند، اگر چه توصیه های لازم در مورد دقت و صداقت در پاسخ گویی به سوالات به افراد نمونه ارائه شده است .

فصل دوم

ادبیات و پیشینه ی

تحقیق